

# برآورد عوامل مؤثر بر مخارج مذهبی خانوارهای ایرانی

یوسف محنت‌فر\*

یونس گلی\*\*

## چکیده

یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های دین اسلام، پرداخت مخارج مذهبی است. تفاوت تمایل به پرداخت مخارج مذهبی ناشی از تفاوت در ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارها از قبیل درآمد و تفاوت در اعتقادات و باورهای دینی است. بر این اساس، مقاله حاضر با استفاده از داده‌های هزینه-درآمد خانوارها برای دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵، به بررسی علل شکاف مخارج مذهبی با کاربرد مدل‌های تجزیه‌اکساکا-بلیندر و ماچادو-متا می‌پردازد. نتایج برآوردها نشان می‌دهد بالغ‌بر ۸۹ درصد از شکاف مخارج مذهبی بین خانوارها، به دلیل تفاوت در اعتقادات است. همچنین در چندک‌های پایین مخارج مذهبی، بالغ‌بر ۹۰ درصد از تفاوت مخارج مذهبی به دلیل تفاوت در اعتقادات و در چندک‌های بالا، سهم تفاوت در ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی در حدود ۲۰ درصد است. شواهد برای شکاف مخارج مذهبی خانوارهای شهری و روستایی نشان می‌دهد خانوارهای روستایی به دلیل اعتقادات و باورهای قوی، مخارج مذهبی بیشتری صرف می‌کنند. به بیان دیگر، اعتقادات و باورهای دینی نقش مهم‌تر و بیشتری نسبت به ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی در تعیین مخارج مذهبی دارد.

واژه‌های کلیدی: مخارج مذهبی، شکاف اعتقادات، اقتصاد اسلامی

طبقه‌بندی JEL: D31، C46، E52، D73

mehnatfar.y@gmail.com

younes.goli67@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۳

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال پنجم، شماره شانزدهم، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۶۸-۱۴۵

\* استادیار اقتصاد دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

\*\* دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۰۴

## مقدمه

یکی از مطلوب‌های اقتصاد اسلامی، کاهش فقر و نابرابری در جامعه است. اما واقعیت آن است که نمی‌توان کل نابرابری‌ها را به دلیل عدالت به سمت برابری سوق داد. در واقع، توازن اقتصادی به معنای تساوی سطوح معاش همه انسان‌ها نیست، بلکه توازن با اختلاف سطح زندگی افراد سازگار است. این اختلاف از دو طریق محدود می‌شود: نخست اینکه نباید اختلاف افراد در سطح زندگی، ناشی از ظلم، تعدی و تبعیض در اختیارات قانونی و حکومتی باشد؛ بلکه باید از اختلاف در استعدادها و تلاش‌ها ناشی شود. دوم، کسانی که به خاطر استعداد و زمینه‌های خدادادی مانند هوش، قوه فکر و سلامت بدن جلو می‌افتند باید کسانی را که از آن استعدادها و نعمت‌های خدادادی کم‌بهره‌اند، تأمین نمایند (میرمعزی، ۱۳۷۸: ۸۳).

مخارج مذهبی از جمله آموزه‌های تمام ادیان الهی است که برحسب شرایط زمان و مکان متفاوت است و ترک آن باعث دوری از رحمت حق در دنیا و آخرت می‌شود. به همین دلیل در بسیاری از موارد اهمیت پرداخت مخارج مذهبی هم‌تراز با نماز است. این مخارج شامل زکات، فطریه، خمس، کفاریه، کمک به مساجد و پرداختی به صندوق صدقات است. در واقع، مخارج مذهبی خانوارها، یکی از روش‌های تأمین خانوارهای نیازمند از جانب خانوارهای ثروتمند است. در واقع، زکات یکی از منابع درآمدی دولت اسلامی برای رفع فقر است که خداوند متعال به آن اهمیت زیادی داده است. در همین راستا حضرت علی (ع) می‌فرماید: خدای سبحان، خوراک تهیدستان را در اموال توانگران قرار داده است.

پس هیچ تهیدستی گرسنه نماند، مگر به سبب اینکه ثروتمندی از حق آن بهره‌مند شده است و خدای بزرگ در این باره از آنان بازخواست می‌کند (کلمات قصار علی (ع)، ۳۲۸). همچنین حدیثی از امام جعفر صادق مطرح شده است که فرمودند: «اگر همه مردم زکات اموال خود را بپردازند، مسلمان فقیر و نیازمند باقی نخواهد ماند و مردم فقیر، محتاج، گرسنه و برهنه نمی‌شوند مگر به خاطر گناه ثروتمندان» (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۴). مالیات‌های اسلامی به عنوان جزئی از مخارج مذهبی نوعی مالیات عبادی است که انسان اقتصادی با رفتار دینی اسلامی، فرار از مالیات را نوعی گناه می‌داند. مهم‌ترین هدف مالیات اسلامی توجه به رفاه، عدالت و رفع فقر است و بیشتر به دنبال فقرزدایی در جامعه و توازن در مصرف است (اثنی‌عشری و میکائیلی، ۱۳۹۳: ۱۰).

اهمیت مخارج مذهبی در اقتصاد اسلامی به دلیل آثار مثبتی است که بر سلامت اقتصادی جامعه دارد، چراکه از یک‌طرف باعث تعدیل ثروت شده و نابرابری را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر باعث کاهش فقر در جامعه می‌شود. بر اساس آیات و روایات مختلف، مخارجی که فرد در راه خدا هزینه می‌کند نوعی سرمایه‌گذاری معنوی محسوب شده که می‌تواند اثر مثبتی در دنیا و آخرت به همراه داشته باشد. بر اساس آیات و روایات متعدد، اثر مثبت مخارج مذهبی بر سلامت اقتصادی امری قابل‌پذیرش است. صدر (۱۳۵۰) بر این عقیده است که امکان ندارد اقتصاد اسلامی به‌طور حقیقی و با چهره اصلی نمودار شود، مگر اینکه این اقتصاد در متن زندگی پیاده شود. منظور از پیاده‌شدن اقتصاد اسلامی در زندگی، تطابق پیدا کردن نسبی یا کامل رفتارهای تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان با آموزه‌های اقتصادی اسلام است (ارشدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۴). واقعیت رفتار خانوارهای ایرانی در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ در جدول ۱ نشان می‌دهد که تمایل خانوارها به مخارج مذهبی کاهش یافته است؛ به‌طوری که سهم مخارج مذهبی خانوارها از کل مخارج آن‌ها از ۰/۸۲۵ درصد در سال ۱۳۸۸ به ۰/۶۶۸ درصد در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است و سپس به مقدار ۰/۷۰۳ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. روند تغییرات مخارج مذهبی برای خانوارهای

روستایی در مقایسه با خانوارهای شهری نیز نشان می‌دهد خانوارهای روستایی تمایل بیشتری به صرف مخارج مذهبی دارند.

جدول ۱. سهم مخارج مذهبی از کل مخارج خانوارها (درصد)

شرح	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
کل خانوارها	۰/۸۲۵	۰/۸۰۳	۰/۷۵۶۱	۰/۷۵۶	۰/۷۲۷	۰/۶۹۴	۰/۶۶۸	۰/۷۰۳
روستایی	۰/۹۲۵	۰/۹۱۹	۰/۸۶۵	۰/۸۴۲	۰/۸۵۵	۰/۸۰۴	۰/۷۸۴	۰/۸۴۳
شهری	۰/۶۹۶	۰/۶۳۹	۰/۶۰۲	۰/۶۳۱	۰/۵۶۱	۰/۵۵۲	۰/۵۱۹	۰/۵۲۴

منبع: محاسبات تحقیق

بررسی علت تفاوت مخارج مذهبی بین خانوارهای روستایی و شهری و خانوارهای با سطوح متفاوت از مخارج مذهبی یکی از اهداف اصلی برای مطالعه حاضر است. تفاوت مخارج مذهبی بین گروه‌های مختلف به دو دلیل عمده است، دلیل نخست، تفاوت در سطح ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارها از قبیل درآمد و سواد است که در مطالعه برو و مک کلری<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) و دادگر و همکاران (۱۳۹۵) مورد توجه قرار گرفته است. دلیل دوم، به علت تفاوت در اعتقادات و باورهای دینی است که تا حدودی در مطالعه فرهادی آرانی و همکاران (۱۳۹۰) مورد توجه قرار گرفته است. درواقع، یکی از ویژگی‌های مهم مخارج مذهبی، توجه به معنویات و آخرت است و هرچه میزان اعتقادات و باورهای دینی نسبت به مسئله آخرت بیشتر باشد، توجه و پرداخت مخارج مذهبی نیز افزایش می‌یابد. مطالعه حاضر به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا تفاوت در مخارج مذهبی خانوارها ناشی از تفاوت در ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارها است یا ناشی از تفاوت در اعتقادات و باورهای دینی است؟ و سهم دو عامل مذکور به چه میزان است؟ ساختار مطالعه به این صورت است که در قسمت دوم، ابتدا به بررسی مبانی نظری و مطالعات انجام‌شده در این زمینه پرداخته می‌شود. در قسمت سوم، روش تحقیق و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده ارائه می‌شود. درنهایت، قسمت چهارم به برآورد مدل و تحلیل نتایج می‌پردازد.

## مبانی نظری و مروری بر مطالعات پیشین

اهمیت پرداخت مخارج مذهبی از جانب خانوارها به دو عامل اصلی بستگی دارد، عامل نخست به سطح درآمد و توانایی خانوار در هزینه بخشی از درآمد بستگی دارد. در همین راستا، برو و مک کلری (۲۰۰۶) از جمله اقتصاددانانی هستند که این پرسش را مورد بررسی قرار می‌دهند که آیا بهبود زندگی مادی و درجه توسعه‌یافتگی جوامع و بالارفتن سطح آموزش و سواد اثر معناداری را بر هزینه‌های مذهبی دارد؟ آن‌ها در مطالعه‌ای نشان می‌دهند که افزایش سطح سواد و آموزش‌های پیشرفته نه تنها موجب دور شدن مردم از عقاید و انجام هزینه‌های مذهبی نشده است، بلکه بین این‌ها رابطه‌ای مثبت وجود دارد. همچنین هرچه میزان توسعه‌یافتگی و بهره‌مندی از رفاه بیشتر شود، گرایش به مذهب و رفتارهای مذهبی افزایش می‌یابد (دادگر و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۸). بنابراین، درآمد خانوارها و سطح سواد از جمله عوامل مهم در تعیین مخارج مذهبی است.

عامل دوم، میزان اعتقاد و باور دینی نسبت به آخرت است. در واقع، یکی از مهم‌ترین عوامل مشارکت افراد در پرداخت مخارج مذهبی عامل ایمان به خدا، اعتقادات مذهبی و نوع دوستی است. خداوند می‌فرماید: «زکات را می‌پردازند و آن‌ها به آخرت یقین دارند» (سوره لقمان: ۴). امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که به اندازه قیراطی از زکات واجب را نپردازد، مؤمن و مسلمان نیست و (در نظر دین) کرامتی ندارد» (قمی، ۱۳۸۷ ق: ۸۸). حضرت زهرا (س) می‌فرماید: «زکات مایه تزکیه نفس است» (طبرسی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). این مسئله که با پرداخت زکات به‌عنوان یکی از ارکان مخارج مذهبی موجبات تقرب مسلمانان به خدا را فراهم نموده و شرط مسلمان بودن است، نشان می‌دهد که هرچه درجه اعتقادات و باورهای دینی نسبت به آخرت افزایش یابد، یقیناً میزان پرداخت هزینه‌های مذهبی نیز افزایش می‌یابد. یکی از ویژگی‌های مهم دین اسلام، توجه به همنوع در قالب تخصیص بخشی از درآمد برای صرف در جهت کاهش فقر و نابرابری است. بر اساس آیات و روایات، نیازمندان در اموال ثروتمندان سهم هستند و در بسیاری از موارد زکات به‌عنوان یکی از اجزای مخارج مذهبی دارای رابطه‌ای عمیق با نماز

است و نماز شخصی که زکات را نمی‌پردازد، مورد قبول نیست. کَهِف<sup>۱</sup> (۱۹۷۳) در مقدمه‌ای بر مطالعه اقتصاد اسلام، عقلانیت اقتصادی در اقتصاد سنتی را نقد کرده و ضمن ارائه عقلانیت بر اساس آموزه‌های اسلام می‌گوید مصرف‌کننده مسلمان دارای افق زمانی متفاوتی نسبت به غیر دارد و این افق زمانی آخرت را نیز در بر دارد. براین اساس، وی تفاوت اصلی رفتار مصرف‌کننده مسلمان و غیرمسلمان را در توجه به آخرت می‌داند و این امر، اثر خود را در رعایت قواعد اسلامی نشان می‌دهد (قائمی اصل و لویی، ۱۳۹۶: ۶۸).

آموزه‌های اقتصادی اسلام در قالب اخلاقیات، احکام و عبادات شامل تمام بایدها و نبایدهای منتسب به خداوند متعال و فرستادگان وی هستند که می‌توانند اعتبار و شایستگی در ذهن فرد، خانواده و جامعه باورمند به آن دین را پدید آورد. به این اعتبار و شایستگی، ارزش می‌گویند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۱۶۲). ارزش‌های شکل‌گرفته در ذهن، ترجیحات انسان را درجه‌بندی می‌کنند. آن‌ها بر روی انتخاب روش‌ها، ابزارها، هنجارها، عادت‌ها و رفتارها اثر می‌گذارند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۲۶۹)، و قابلیت فرهنگ‌سازی دارند. بر همین اساس در دیدگاه اقتصاد اسلامی اثر ایمان و باور به آخرت در نظریه رفتار مصرف‌کننده قابل تبیین است، در این دیدگاه برای انسان سه دوره زمانی حال، آینده و حیات پس از مرگ در نظر گرفته می‌شود و انسان بر پایه ایمان و در چارچوب این سه دوره زمانی دارایی خود را برای وصول به بیشینه مطلوبیت کل تخصیص می‌دهد که یک بخش از مطلوبیت، یعنی مطلوبیت اخروی تابع هزینه‌های در راه خدا است (عزتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰). به عبارتی هر چه درجه باور و اعتقاد به آخرت در افراد افزایش یابد، سهم مطلوبیت اخروی در کل مطلوبیت افزایش یافته و میزان مخارج مذهبی نیز افزایش می‌یابد. به‌طورکلی توجه به رفاه دیگران و ظلم نکردن به هموعان به‌عنوان یک اصل دینی می‌تواند عامل شکل‌دهنده رفتار اقتصادی انسان باشد. بنابراین اعتقاد به آموزه‌های اسلام می‌تواند رفتار انسان را به سمت بهبود کیفیت مخارج مصرفی به‌صورت تخصیص بخشی از درآمد به مخارج مذهبی شکل دهد. بر همین اساس

ارزش‌ها و اعتقاد به آموزه‌های اسلام می‌تواند نقش بسزایی را در مخارج مذهبی داشته باشد.

مطالعات متعددی عوامل مؤثر بر مخارج مذهبی را مورد بررسی قرار داده‌اند که به مرور کلی آن‌ها پرداخته می‌شود. کیاءالحسینی (۱۳۸۷) با استفاده از شواهد آماری ایران برای دوره زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵ به بررسی نقش زکات فطره در فقرزدایی می‌پردازد، نتایج مطالعه نشان می‌دهد که ارزش زکات فطره بالقوه برای فقرزدایی کافی نیست و باید از سایر ابزارها از قبیل زکات مال، خمس و دیگر پرداخت‌ها یاری جست. کیاءالحسینی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با استفاده از اطلاعات درآمد-هزینه خانوارهای شهری برای دوره زمانی ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۴ و رهیافت داده‌های پانل نشان می‌دهد که درآمد و بعد خانوار اثر مثبت و تورم اثر منفی بر مخارج مذهبی دارد. باقری تودشکی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به بررسی الگوی مصرف بر مبنای ارزش‌های اسلامی می‌پردازد، نتایج مطالعه نشان می‌دهد که هر چه ایمان مسلمانان قوی‌تر شود، حساسیت فرد درباره متوسط مصرف افراد دیگر جامعه بیشتر می‌شود و بنابراین توزیع مصرف جامعه بهتر می‌شود. فلاحی و ارشدی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر مخارج مذهبی خانوارهای شهری در استان‌های کشور برای دوره زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۷ پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد درآمد خانوار و تغییر در میزان حمایت و تشویق مدیران اجرایی از مخارج مذهبی اثر مثبت و معناداری بر مخارج مذهبی داشته است، اما بیکاری و تورم اثر معناداری بر مخارج مذهبی نداشته است. فرهادی آرانی و وثوق (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای با استفاده از نتایج پرسشنامه‌های توزیع‌شده در استان همدان به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت افراد در پرداخت زکات پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهند که عامل‌های سازمانی، ایمان به خدا و نوع دوستی بیش از سایر عوامل نقش قابل‌توجهی را در انگیزش افراد برای پرداخت زکات دارد. لشکری و پارسا (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با توزیع ۱۷۱ پرسشنامه در بین افراد ساکن شهر سبزوار اثر ایمان به خدا بر رفتار مصرف‌کننده را بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد ایمان با رفتار مصرف‌کننده رابطه

مثبت دارد و رفتار مصرف‌کننده بر اساس درجه ایمان متفاوت است. عسکری و بادپا (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با استفاده از شواهد استان‌های کشور برای دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهند توزیع زکات اثر مثبتی روی مصرف عمومی دارد. اثنی‌عشری و میکائیلی (۱۳۹۳)، با استفاده از شواهد آماری استان‌های مازندران، گیلان و گلستان برای دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهند که زکات در استان گلستان نسبت به استان‌های مازندران و گیلان نقش بسزایی را در فقرزدایی داشته است. عزتی و محمودیان (۱۳۹۳) با استفاده از داده‌های استانی در دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۰ و روش داده‌های پانل نشان می‌دهند انفاق باعث کاهش فقر، اما موقوفات اثر معناداری را بر کاهش فقر نداشته است. عسکری و کاشیان (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به برآورد ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران و مقایسه آن با زکات پرداختی پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها با به‌کارگیری شواهد آماری برای دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ نشان می‌دهد وجوه پرداختی زکات به نسبت ظرفیت بالقوه موجود بسیار کم و ناچیز است. دادگر و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های درآمد-هزینه خانوارها در سال ۱۳۹۳ به تفکیک مناطق روستایی و شهری و روش پروبیت<sup>۱</sup> عوامل مؤثر بر هزینه‌های مذهبی شهری و روستایی را بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد مالکیت خانه، دارابودن شغل سرپرست خانوار و درآمد اثر مثبت و معناداری را بر هزینه مذهبی خانوارها دارد، اما بعد خانوار اثر منفی و معناداری را بر مخارج مذهبی خانوارها دارد. عزتی و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از توزیع ۵۰۰ پرسشنامه در میان شهروندان شهر زاهدان، اثر سرمایه دینی بر هزینه‌های این جهان و هزینه‌های در راه خدا را بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد سرمایه دینی، درآمد، دارایی و سرمایه‌گذاری کاری اثر مثبت بر هزینه‌های دینی دارد. قائمی اصل و لویی (۱۳۹۶) با استفاده از داده‌های ۲۸ استان در دوره زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۳ و رویکرد داده‌های تابلویی پویا به بررسی اثر تورم و بیکاری بر مخارج مذهبی پرداخته‌اند. نتایج مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد تورم و بیکاری اثر منفی و معنادار

---

<sup>۱</sup>. Probit



بر مخارج مذهبی دارد.

مروری کلی بر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد هیچ مطالعه داخلی سهم تفاوت در ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و سهم تفاوت در اعتقادات و باورهای دینی را بر شکاف مخارج مذهبی خانوارها بررسی نکرده است. به همین دلیل موضوع مطالعه حاضر از نظر هدف، شواهد آماری مورد استفاده و روش تحقیق به‌کاربرده شده دارای نوآوری است و از این نظر گامی روبه‌جلو در مطالعات اقتصاد اسلامی تلقی می‌شود.

### روش تحقیق و داده‌های گردآوری شده

مخارج مذهبی به‌صورت میزان مخارج صورت‌گرفته خانوارها بر روی زکات، فطریه، خمس، کفاریه، کمک به مساجد و پرداختی به صندوق صدقات اندازه‌گیری می‌شود. مخارج مذهبی گزارش شده در داده‌های درآمد-هزینه خانوار به‌صورت عدد مثبت یا صفر گزارش شده است. صفر بودن مخارج به معنای عدم تخصیص مخارج خانوارها برای اصول اعتقادی نیست. دو دلیل برای صفر بودن مخارج مذهبی وجود دارد، یا اینکه پرسشگر آمار در زمان مراجعه به خانوارها سؤالات مربوط به مخارج مذهبی را از خانوار نپرسیده است؛ درحالی‌که سایر بخش‌ها را گزارش داده است، در این مورد ویژگی‌های اجتماعی خانوار گزارش شده است اما مخارج مذهبی را به‌صورت صفر گزارش می‌دهند، درحالی‌که در واقعیت مخارج مذهبی صفر نیست. دلیل دوم این است که در واقعیت مخارج مذهبی صفر بوده است. به همین دلیل بیان شده است که داده‌ها در صفر سانسور شده‌اند یعنی ماهیت عدد صفر مشخص نیست. بنابراین باید از مدل توبیت برای بررسی عوامل مؤثر بر مخارج مذهبی استفاده شود. تحت فرض همسانی واریانس و توزیع نرمال به پیروی از کامرون و تریویدی<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، مدل توبیت استفاده شده برای مطالعه حاضر به‌صورت معادله (۱) است.

$$y_i^* = x_i' \beta + \epsilon_i \quad i = 1, \dots, N \quad (1)$$

در معادله (۱)،  $y_i^*$  متغیر غیرقابل مشاهده است،  $X$  نشان‌دهنده متغیرهای

توضیحی است که قابل مشاهده هستند. در واقع،  $y_i^*$  برای مقادیر بزرگتر از  $L$  قابل مشاهده و برای مقادیر برابر با  $L=0$  سانسور شده است، اگر  $y_i^*$  مشاهده شده باشد، می توان از تخمین حداقل مربعات استفاده نمود. در مدل توییت رابطه بین متغیر غیر قابل مشاهده  $y_i^*$  و متغیر قابل مشاهده  $y_i$  به صورت رابطه (۲) است.

$$y_i = \begin{cases} y_i^* = x_i' \beta + \epsilon_i, & \text{if } y_i^* > L \\ L & \text{if } y_i^* \leq L \end{cases} \quad (2)$$

فرض کنید که  $d=1$  نشان دهنده سانسور نشدن داده‌ها باشد و  $d=0$  نشان دهنده سانسور شدن داده‌ها باشد، در این صورت تابع چگالی به صورت (۳) قابل نوشتن است:

$$f(y) = \left[ \frac{1}{\sqrt{2\pi}} \exp \left\{ -\frac{1}{2\sigma^2} (y_i - x_i' \beta)^2 \right\} \right]^{d_i} \left[ \phi \left\{ \left( L - \frac{y_i - x_i' \beta}{\sigma} \right) \right\} \right]^{1-d_i} \quad (3)$$

با ماکزیم کردن لگاریتم عبارت (۳) و شرایط مرتبه اول، تخمین حداکثر راست نمایی از  $\beta$  و  $\sigma^2$  به دست می آید. با توجه به هدف اصلی مطالعه مبنی بر بررسی عوامل مؤثر بر مخارج مذهبی، از رابطه (۴) استفاده می شود.

$$y = \beta_0 + \beta_1 age + \beta_2 age2 + \beta_3 emps + \beta_4 empm + \beta_5 scho + \beta_6 schom \quad (4) \\ + \beta_7 mari + \beta_8 unnm + \beta_9 mas + \beta_{10} incom + \beta_{11} pro \\ + \beta_{12} clerk + \beta_{13} craft + \epsilon_i$$

در معادله (۴)،  $y$  میزان مخارج مذهبی هر خانوار است،  $age$  و  $age2$  سن و مجذور سن سرپرست خانوار،  $emps$  و  $empm$  به ترتیب متغیر دامی اشتغال سرپرست و همسر خانوار است.  $scho$  و  $schom$  به ترتیب سال‌های تحصیل سرپرست و همسر خانوار است.  $mari$  متغیر دامی با همسر زندگی کردن است طوری که برای با همسر زندگی کردن برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر است.  $num$  بعد خانوار،  $mas$  مالکیت بر مسکن،  $income$  درآمد،  $pro$  متغیر دامی شغل حرفه‌ای و تخصصی،  $clerk$  متغیر دامی مشاغل خدمات دفتری و فروش و  $craft$  متغیر دامی صنعت کار بودن شغل سرپرست خانوار است. برای جلوگیری از مشکل هم خطی بین متغیرهای مشاغل، متغیر دامی مشاغل ساده و ساختمانی

حذف شده است و ضرایب مربوط به مشاغل تخصصی، دفتری و فروش و صنعت کار با شغل ساده و ساختمانی مقایسه می‌شوند.

سن سرپرست خانوار یکی از عوامل اثرگذار بر هزینه‌های مذهبی است. با افزایش سن، باور به آخرت و مرگ افزایش می‌یابد و بنابراین انتظار بر این است که با افزایش سن، میزان مخارج مذهبی افزایش یابد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰). اما با افزایش سن تا حدی افراد به دلیل دوران کهولت درآمد کمتر دارند، بنابراین اثر مجذور سن بر مخارج مذهبی به برآیند اثر افزایش باور به آخرت و کاهش درآمد ناشی از دوران کهولت وابسته است. با افزایش درآمد تمایل به پرداخت هزینه مذهبی افزایش می‌یابد. همچنین دو متغیر سواد و مالکیت خانه (شاخص بهبود زندگی مادی) که در مطالعه برو استفاده شده بود نیز در این مطالعه به کار گرفته شد. انتظار بر این است که بالا رفتن سواد و بهبود زندگی مادی اثر مثبتی بر هزینه‌های مذهبی داشته باشند. همچنین متغیر تأهل نیز به‌عنوان یک عامل اثرگذار دیگر معرفی شده است. انتظار بر این است که افراد متأهل نسبت به افراد مجرد هزینه‌های مذهبی بیشتری داشته باشند. عامل دیگر، بعد خانوار است که در پرداخت‌های مستحبی می‌تواند سبب کاهش پس‌انداز و کاهش این پرداخت‌ها شود و از سوی دیگر، افراد خانوار بر اساس انگیزه‌های فردی تمایل به پرداخت مستقل دارند و این موضوع سبب افزایش پرداخت‌ها می‌شود. در مجموع، بعد خانوار از عوامل اثرگذار بر هزینه‌های مذهبی است، اما در تحلیل داده‌ها نمی‌توان درباره نوع علامت بعد خانوار قضاوتی روشن داشت (دادگر و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۸-۳۷). همچنین انتظار بر این است که شاغل بودن سرپرست خانوار و دارا بودن مشاغل با طبقه اجتماعی بالاتر منجر به افزایش تمایل به مخارج مذهبی می‌شود.

یکی از ویژگی‌های مهم مخارج مذهبی، توجه به بعد معنوی مخارج مذهبی، اعتقادات و باورهای دینی است. در واقع نابرابری در مخارج مذهبی بین خانوارها ناشی از دو عامل مهم است که شامل نابرابری ناشی از تفاوت ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی از قبیل درآمد، نوع شغل و سطح تحصیلات بر اساس معادله (۴) است و عامل دوم، نابرابری ناشی از تفاوت در اعتقادات و باورهای دینی

است که به صورت تفاوت مخارج مذهبی در سطح یکسانی از درآمد و ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی قابل تعیین است. در همین راستا برای تعیین سهم دو عامل مذکور از مدل‌های تجزیه اکساکا بلیندر<sup>۱</sup> (به‌طور میانگین) و ماچادو و متا<sup>۲</sup> (در چندک‌های متفاوت) استفاده می‌شود، این مدل‌ها قادرند سهم تفاوت در ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی را از تفاوت در اعتقادات و باورهای دینی مجزا نمایند. تجزیه اکساکا-بلیندر و ماچادو و متا به ترتیب به صورت معادله (۵) و (۶) هستند.

$$\hat{R} = (\bar{x}_u - \bar{x}_r)' \hat{\beta}_u + x_r' (\hat{\beta}_u - \hat{\beta}_r) \quad (۵)$$

$$Q_\theta(w_u|x_u) - Q_\theta(w_r|x_r) = [Q_\theta(w_u|x_u) - Q_\theta(x_r\hat{\beta}_u)] + [Q_\theta(x_r\hat{\beta}_u) - Q_\theta(w_r|x_r)] \quad (۶)$$

$\hat{R}$  برابر با تفاوت مخارج مذهبی<sup>(۱)</sup> خانوارهای شهری (u) منهای روستایی (r) است. همچنین ضرایب عوامل مؤثر بر مخارج مذهبی خانوارهای روستایی است و x در هر گروه نشان‌دهنده ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی خانوار است. بنابراین جزء اول سمت راست معادله ۵ و ۶ نشان می‌دهد که اگر ضرایب به ازای سطح خاصی از ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی خانوار برای هر دو گروه برابر و معادل با  $\hat{\beta}_u$  باشد، چه میزان از نابرابری مخارج مذهبی به علت تفاوت xها است، اما جزء دوم نشان می‌دهد که اگر ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی در هر دو گروه یکسان باشد، چه میزان از نابرابری مخارج مذهبی به علت تفاوت اعتقادات یا  $\beta$  است. بنابراین جزء اول نشان‌دهنده نابرابری ایجادشده به وسیله ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی است و جزء دوم نابرابری ناشی از سایر عوامل از جمله تفاوت در اعتقادات و باورهای دینی است. معادله ۵ نابرابری را در سطح میانگین اندازه‌گیری می‌کند، اما معادله ۶ نابرابری را در چندک‌های مختلف  $\theta$  اندازه‌گیری می‌کند.

- 
1. Oaxaca Blinder
  2. Machado-Mata

## شواهد داده‌های گردآوری شده

گزارش ویژگی اقتصادی- اجتماعی خانوار از چهار قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول، اطلاعات تکمیلی مربوط به ویژگی‌های جمعیتی خانوار شامل سن، جنسیت، نسبت با سرپرست خانوار، وضعیت سواد، مدرک تحصیلی، فعالیت فرد در مورد شاغل بودن یا بیکاربودن، وضعیت زناشویی و غیره ارائه می‌شود. سطح تحصیلات بر اساس کدهای سه و دو رقمی دسته‌بندی استاندارد بین‌المللی تحصیلات<sup>۱</sup> گزارش شده است که برای محاسبه سال‌های تحصیل استفاده می‌شود. قسمت سوم گزارش، شامل ۱۴ بخش هزینه خوراکی و غیرخوراکی است که مخارج مذهبی از بخش ۱۳ استخراج شده است. در قسمت چهارم، درآمدهای خانوار و نوع شغل بر اساس کدهای دسته‌بندی استاندارد بین‌المللی مشاغل<sup>(۲)</sup> گزارش شده است. بنابراین، داده‌های حاصل از درآمد- هزینه خانوار در سطح خرد، کامل‌ترین منبع آماری برای مطالعه حاضر است.

شواهد برای داده‌های گردآوری شده دارای دلالت‌های مفیدی بر تحلیل اثر ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی خانوار بر مخارج مذهبی است. شواهد در جدول ۲ نشان می‌دهد که در نمونه گردآوری شده نسبت اشتغال سرپرست خانوار افزایش یافته و نسبت اشتغال همسر به‌طور معناداری کاهش یافته است. بررسی میزان سال‌های تحصیل برای سرپرست خانوار و همسر به‌طور معناداری در طول دوره افزایش یافته است و نرخ رشد تحصیلات همسران بیش از سرپرست خانوار بوده است. بیش از ۹۶ درصد از نمونه گردآوری شده با همسر زندگی می‌کنند و ۷۷-۷۵ درصد از خانوارها دارای مسکن هستند. تغییرات بعد خانوارها نشان می‌دهد بعد خانوارها از ۴/۳۷ نفر در سال ۱۳۸۸ به ۳/۸۹ نفر در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. گلی و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهند کاهش بعد خانوارها تأییدی بر نظریه بیکر در مورد جایگزینی کیفیت به‌جای کمیت در تعداد فرزندان است. ترکیب مشاغل نمونه گردآوری شده به این صورت است که حدود ۵۳ درصد از سرپرست خانوارها در مشاغل صنعتی فعالیت می‌کنند، ۲۶ درصد در مشاغل ساده و

ساختمانی، ۱۲ درصد در مشاغل خدمات دفتري و فروش و ۱۰ درصد در مشاغل حرفه‌ای و تخصصی فعالیت دارند. بررسی لگاریتم مخارج مذهبی خانوارها و مخارج کل خانوارها در جدول ۲ نشان می‌دهد مخارج مذهبی روندی کاهشی داشته است؛ به طوری که میزان مخارج مذهبی از ۱۰/۲۹ در سال ۱۳۸۸ به مقدار ۹/۸۱ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. همچنین مخارج کل خانوارها از ۱۶/۰۴ در سال ۱۳۸۸ به مقدار ۱۵/۷۳ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است.

جدول ۲. شواهد کلی داده‌ها

شرح	۱۳۸۸	۱۳۹۰	۱۳۹۲	۱۳۹۴	۱۳۹۵
تعداد خانوارها	۳۳۴۴۴	۳۱۰۹۶	۳۱۱۵۱	۲۹۹۸۹	۲۹۴۴۹
اشتغال سرپرست	۰/۹۵۵	۰/۹۶۳	۰/۹۶۲	۰/۹۷	۰/۹۷
اشتغال همسر	۰/۱۹۸	۰/۱۶۴	۰/۱۶۷	۰/۱۴۴	۰/۱۴۵
سال تحصیل سرپرست	۵/۵۹	۵/۸۶	۶/۶۳	۶/۹۲	۶/۹۶
سال تحصیل همسر	۴/۵۷	۴/۸۸	۵/۸۲	۶/۲۱	۶/۲۷
با همسر بودن	۰/۹۴۶	۰/۹۴۴	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۶
مالکیت مسکن	۰/۷۶	۰/۷۷	۰/۷۵	۰/۷۷	۰/۷۷
بعد خانوار	۴/۳۷	۴/۲۱	۳/۹۴	۳/۹	۳/۸۹
تخصصی و حرفه‌ای	۰/۰۹۹	۰/۱	۰/۱	۰/۰۹۶	۰/۰۹۵
خدمات دفتري و فروش	۰/۱۱۷	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۱۲
ساده و ساختمانی	۰/۲۵۵	۰/۲۵۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶
صنعت کاران	۰/۵۲۷	۰/۵۲۲	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۳
لگاریتم مخارج مذهبی واقعی	۱۰/۲۹	۱۰/۰۸	۹/۹۴	۹/۸۷	۹/۸۱
لگاریتم مخارج کل واقعی	۱۶/۰۴	۱۵/۹	۱۵/۷۴	۱۵/۷۱	۱۵/۷۳

منبع: محاسبات تحقیق از داده‌های هزینه-درآمد خانوارها

## برآورد مدل و تحلیل نتایج

ساختار داده‌های مورد استفاده به این صورت است که در هر سال مرکز آمار ایران به‌طور تصادفی به خانوارهای نمونه مراجعه کرده و گزارش‌هایی را از وضعیت اقتصادی-اجتماعی آن‌ها ارائه می‌دهد. از آنجاکه هر خانوار به‌طور منظم در طول سال‌های متوالی مورد پرسش قرار نمی‌گیرد، بنابراین دارای ساختار پانل یا سری زمانی نبوده و نیازی به آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مورد استفاده نیست. با توجه به اینکه متغیر وابسته تحقیق مخارج مذهبی است، صفر یا مثبت بودن مخارج مذهبی دلیلی برای استفاده از مدل توییت است. توییت با در نظر گرفتن هر دو

گروه (مخارج صفر و مخارج مثبت) مشکل غیرتصادفی بودن مشاهدات را رفع کرده است. اما متفاوت بودن عوامل مؤثر بر احتمال هزینه برای مخارج مذهبی و میزان مخارج مذهبی باید از طریق روش دومرحله‌ای هکمن آزمون شود. ابتدا با تخمین پروبیت و سپس حداقل مربعات معمولی مشاهده شده که عکس نسبت میلز با ضریب  $1/19$  و مقدار ارزش احتمال  $0/126$  معنادار نبوده است، یعنی عوامل مؤثر بر احتمال صرف هزینه برای مخارج مذهبی متفاوت از عوامل مؤثر بر میزان مخارج مذهبی نیست. در واقع همان عواملی که می‌توانند احتمال هزینه برای مخارج مذهبی را تعیین کنند؛ میزان مخارج را نیز تعیین می‌کنند. بنابراین برای بررسی عوامل مؤثر بر مخارج مذهبی از رهیافت مدل توییت استفاده شده است.

نتایج حاصل از برآورد در جدول ۳ نشان می‌دهد که با افزایش سن سرپرست خانوارها، میزان تمایل به پرداخت مخارج مذهبی افزایش می‌یابد؛ به طوری که با افزایش سن سرپرست خانوار به اندازه یک سال، میزان مخارج مذهبی خانوارها به اندازه  $0/064$  میلیون ریال افزایش می‌یابد. اما ضریب مجذور سن سرپرست خانوارها نشان می‌دهد میزان تمایل به پرداخت مخارج مذهبی خانوارها تا حدی از افزایش سن افزایش می‌یابد و در دوران کهولت که درآمد افراد به دلیل بازنشستگی و عدم توانایی در کسب درآمد بالا، تمایل به پرداخت مخارج مذهبی کاهش می‌یابد. بررسی اثر شاغل بودن سرپرست و همسر خانوار بر مخارج مذهبی مثبت و معنادار است. به این صورت که شاغلان نسبت به افراد بدون شغل، مخارج مذهبی بیشتری پرداخت می‌کنند.

جدول ۳. برآورد مدل توییت

متغیر	ضریب	آماره t
سن	$0/064^{***}$	۲۹/۷۱
مجذور سن	$-0/00426^{***}$	-۱۹/۹۴
شاغل بودن سرپرست	$0/276^{***}$	۱۰/۳۵
شاغل بودن همسر	$0/448^{***}$	۳۹/۶۴
سال‌های تحصیل سرپرست	$0/0386^{***}$	۲۷/۵۴
سال‌های تحصیل همسر	$0/00946^{***}$	۶/۸۰۲
وضعیت زناشویی	$-0/206$	-۰/۸۲۰
بعد خانوار	$0/0435^{***}$	۱۴/۸۴

۳۴/۴۸	۰/۳۸۱***	مالکیت بر مسکن
۴۳/۴۸	۰/۲۱۹***	درآمد
۳/۷۵۲	۰/۰۶۶۳***	حرفه‌ای و تخصصی
۲/۶۲۷	۰/۰۳۸۵***	خدمات دفتری و فروش
۵/۳۳۵	۰/۰۵۸۳***	صنعت کار
-۱۲/۴۵	-۰/۱۲۳***	شهرنشینی
۱۴/۹۶	۳/۹۲۵***	عرض از مبدأ

\*\*\* معنی داری ضریب در سطح ۹۹ درصد،  
 \*\* معنی داری ضریب در سطح ۹۵ درصد و  
 \* معنی داری ضریب در سطح ۹۰ درصد است.  
 اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره t ضرایب هستند.

شواهد برای اثرگذاری سال‌های تحصیل سرپرست و همسر خانوار بر میزان تمایل به مخارج مذهبی نشان می‌دهد که هرچه میزان سطح سواد والدین افزایش یابد، میزان تمایل به مخارج مذهبی به‌طور معناداری افزایش می‌یابد و این اثر برای سرپرست خانوار نسبت به همسر بیشتر و بالاتر است. وضعیت زناشویی و با همسر زندگی کردن اثر معناداری بر مخارج مذهبی ندارد. در راستای نظریه برو، اثر درآمد بر مخارج مذهبی مثبت و معنادار است. در واقع یکی از مسائل اصلی برای صرف هزینه مذهبی، سطح درآمد خانوار است؛ به‌طوری‌که با افزایش ۱ درصدی در درآمد، میزان مخارج مذهبی به‌اندازه ۰/۲۱۹ درصد افزایش می‌یابد. تحلیل اثر مشاغل مختلف بر تمایل به پرداخت مخارج مذهبی نشان می‌دهد افراد دارای مشاغل حرفه‌ای، خدمات دفتری و فروش و صنعتی نسبت به مشاغل ساده و ساختمانی مخارج مذهبی بیشتری پرداخت می‌کنند. اثر شهرنشینی بر مخارج مذهبی منفی و معنادار است و خانوارهای دارای مسکن نسبت به دیگر خانوارها به‌طور متوسط ۳۸ درصد بیشتر مخارج مذهبی پرداخت می‌کنند. بررسی اثر شهرنشینی نشان می‌دهد خانوارهای شهری نسبت به خانوارهای روستایی کمتر مخارج مذهبی پرداخت می‌کنند و این ناشی از واقعیتی است که خانوارهای روستایی در فعالیت‌هایی اشتغال دارند که مخارج مذهبی بر آن‌ها از شفافیت بیشتری برخوردار است. به‌طورکلی برای بهبود در مخارج مذهبی، نیاز است که درآمد خانوارها به‌واسطه کاهش بیکاری و رونق اقتصادی بهبود یابد.

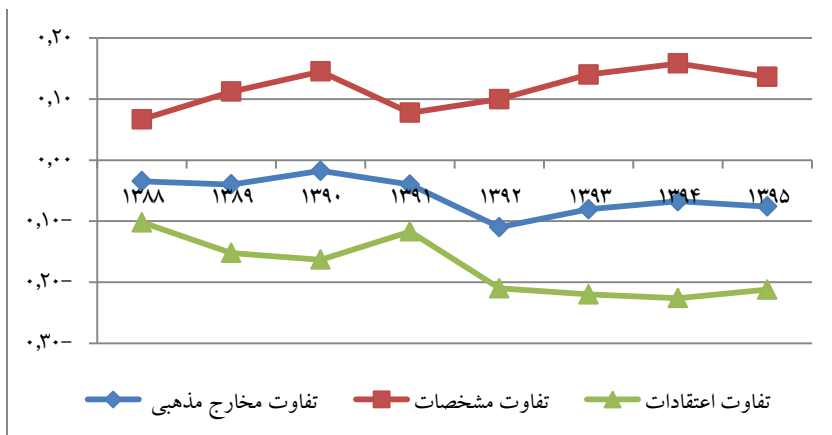
لازم به ذکر است که جزئی از مخارج مذهبی از نظر اسلام واجب بوده و



جزئی از آن مستحب است و بر اساس اعتقادات و باورهای دینی تعیین می‌شود. به همین دلیل نه تنها ویژگی اقتصادی-اجتماعی خانوار بر میزان مخارج مذهبی مؤثر است، بلکه ویژگی اعتقادی افراد نقش مؤثری را در مخارج مذهبی دارد. نتایج حاصل از برآورد مدل ۴ در جدول ۳، تنها اثر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارها را اندازه‌گیری می‌کند و نقش عوامل اعتقادی را نادیده می‌گیرد. به همین دلیل از مدل‌های تجزیه برای برآورد سهم تفاوت در ویژگی‌های اعتقادی و اثر آن بر مخارج مذهبی استفاده می‌شود. شواهد حاصل از تجزیه اکساکا-بلیندر برای تفاوت مخارج مذهبی بین خانوارهای شهری و روستایی در نمودار ۱ نشان می‌دهد شکاف مخارج مذهبی برای دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ روندی افزایشی همراه با نوسان بوده است. به این صورت که تفاوت مخارج مذهبی خانوارهای شهری و روستایی از رقم ۰/۰۳۴ در سال ۱۳۸۸ به ۰/۱۱ در سال ۱۳۹۲ و سپس به ۰/۰۷۶ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. در واقع خانوارهای روستایی بیش از خانوارهای شهری مخارج مذهبی پرداخت می‌کنند. نتایج حاصل از تجزیه نشان می‌دهد اگرچه خانوارهای شهری به دلیل ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی برتر از قبیل درآمد و سواد بالاتر و درصد شاغلان بیشتر، مخارج مذهبی بیشتری صرف می‌کنند؛ اما به دلیل ویژگی‌های اعتقادی و باورهای دینی، خانوارهای روستایی دارای مخارج مذهبی بیشتری هستند. برآیند دو اثر نشان می‌دهد ویژگی‌های اعتقادی و باورهای دینی نقش مهم‌تر و بیشتری را در تعیین مخارج مذهبی دارد. اگرچه بر اساس مطالعات انجام‌شده از قبیل دادگر و همکاران (۱۳۹۵) و عزتی و همکاران (۱۳۹۶)، درآمد و دارایی نقش مهمی را در تعیین مخارج مذهبی دارد، اما نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که باورهای دینی و اعتقادات نقش مهم‌تر و غالب‌تر را در تعیین مخارج مذهبی دارد و به همین دلیل است که در کل، خانوارهای روستایی مخارج مذهبی بیشتری پرداخت می‌کنند. در واقع مقدار شکاف ناشی از اعتقادات به صورت قدرمطلق در سال ۱۳۸۸ برابر با ۰/۱۰۲ بوده است و این شکاف در سال ۱۳۹۵ به ۰/۲۱۲ افزایش یافته است. مفهوم اعداد به این صورت است که با یکسان‌بودن ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارهای شهری و

روستایی، خانوارهای روستایی به دلیل اعتقاد و باورهای دینی قوی‌تر مخارج مذهبی بیشتری را می‌پردازند. اما شکاف مخارج مذهبی ناشی از تفاوت مشخصات در سال ۱۳۸۸ برابر با ۰/۰۶۶ بود که در سال ۱۳۹۵ به ۰/۱۳۶ افزایش یافته است. به بیان دیگر، با یکسان‌بودن اعتقادات و باورهای دینی خانوارهای شهری و روستایی، خانوارهای شهری به دلیل دارا بودن سطح درآمد و سواد بالاتر، مخارج مذهبی بالاتری را می‌پردازند. از آنجاکه مقادیر مربوط به تفاوت مخارج ناشی از شکاف اعتقادات بیش از شکاف ناشی از تفاوت ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی است، بنابراین اعتقادات و تفاوت آن نقش مهم‌تر و غالب‌تر در تعیین مخارج مذهبی دارد.

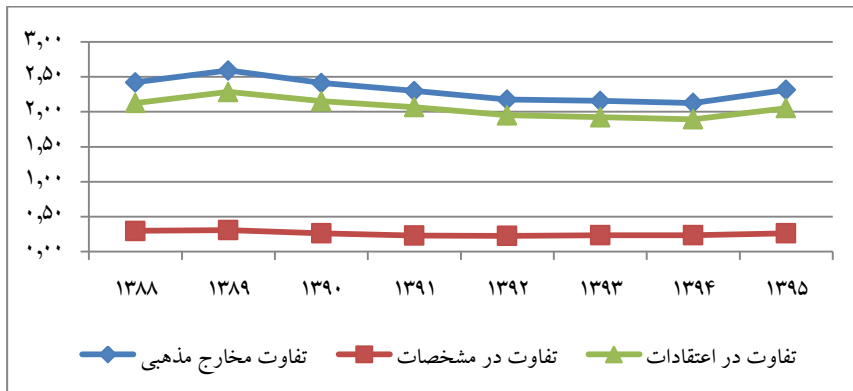
نمودار ۱. تجزیه اکساکا- بلیندر برای شکاف مخارج مذهبی خانوارهای شهری و روستایی



بررسی تجزیه اکساکا- بلیندر برای دو گروه دارای مخارج مذهبی بالا و پایین<sup>(۳)</sup> در نمودار ۲ نشان می‌دهد سهم بالایی از تفاوت در مخارج مذهبی به دلیل تفاوت در ویژگی‌های اعتقادی افراد است؛ به طوری که در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵، بالغ بر ۸۹ درصد از شکاف مخارج مذهبی خانوارها به دلیل تفاوت ویژگی‌های اعتقادی افراد است و تنها ۱۱ درصد از تفاوت مخارج مذهبی خانوارها به دلیل تفاوت ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارها از قبیل درآمد، سواد و نوع فعالیت است. نمودار ۲ به طور واضح نشان می‌دهد تفاوت مخارج مذهبی بین دو گروه از مقدار ۲/۴۲ در سال ۱۳۸۸ به ۲/۳۱ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است و در

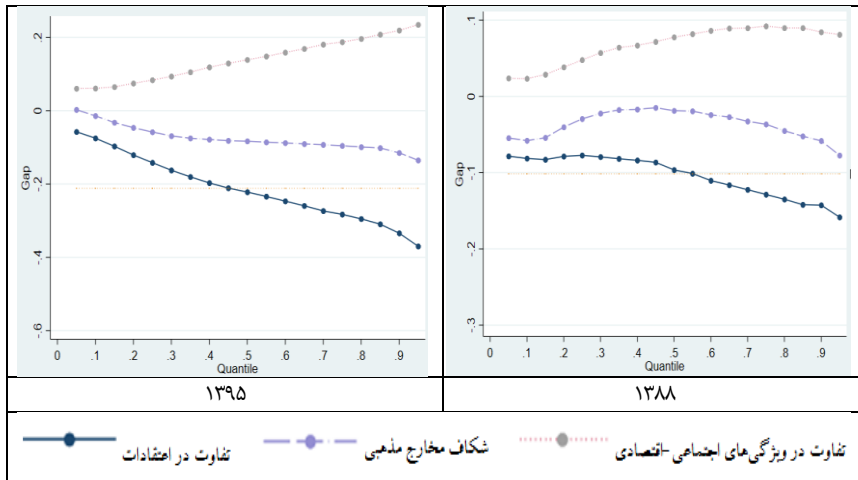
این میان شکاف مخارج ناشی از تفاوت در اعتقادات از ۲/۱۲ در سال ۱۳۸۸ به ۲/۰۵ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است، اما سهم شکاف ناشی از اعتقادات از ۸۸ درصد در سال ۱۳۸۸ به ۸۹ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

نمودار ۲. تجزیه اکساکا- بلیندر شکاف مخارج مذهبی خانوارهای با مخارج بالا و پایین



بررسی شکاف مخارج مذهبی در چندک‌های مختلف مخارج مذهبی نیز دارای دلالت‌های مفیدی است. مقایسه شکاف مخارج مذهبی خانوارهای روستایی و شهری در چندک‌های مختلف مخارج مذهبی در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۵ در نمودار ۳ نشان می‌دهد که شکاف مخارج مذهبی سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۸ در تمام چندک‌ها (به‌غیر از سه چندک پایین) افزایش یافته است و این افزایش در چندک‌های میانی بیشتر بوده است. به‌صورت قدرمطلق شکاف مخارج مذهبی ناشی از ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و ناشی از تفاوت در اعتقادات و باورهای دینی در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۸ افزایش یافته است. هرچه وقتی که به سمت چندک‌های بالا حرکت می‌کنیم مقدار تفاوت در ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و تفاوت در اعتقادات افزایش می‌یابد و شکاف ناشی از اعتقادات بیش از شکاف ناشی از ویژگی‌های معین است. به‌طورکلی اگرچه در چندک‌های بالای مخارج مذهبی، ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوار مهم و دارای اهمیت است، اما اعتقادات و باورهای دینی نقش غالب و بیشتری را دارند. به این صورت خانوارهای دارای مخارج مذهبی بالاتر، لزوماً دارای ویژگی‌های سرمایه انسانی و درآمد بالاتر نیستند؛ بلکه دارای اعتقادات و باورهای دینی قوی هستند.

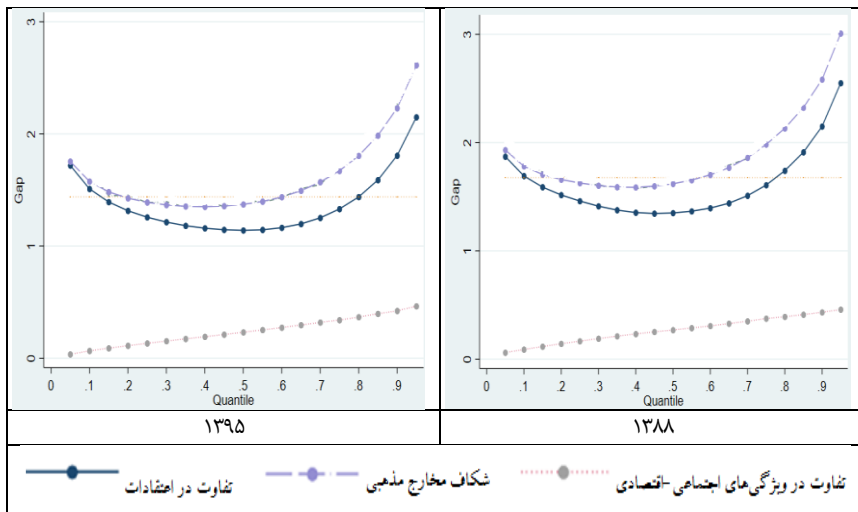
نمودار ۳. تجزیه ماچادو- منا خانوارهای شهری و روستایی



بررسی علل ایجاد شکاف مخارج مذهبی برای دو گروه دارای مخارج بالا و پایین مذهبی در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۵ در نمودار ۴ نشان می‌دهد که سهم بالایی از شکاف مخارج مذهبی بین خانوارها به دلیل شکاف اعتقادات و باورهای دینی است؛ به طوری که در چندک‌های پایین، بالغ بر ۹۰ درصد از تفاوت مخارج مذهبی به دلیل تفاوت در اعتقادات بوده و هرچه به سمت چندک‌های بالا حرکت می‌کنیم، سهم تفاوت در ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی افزایش می‌یابد؛ به طوری که این سهم در چندک‌های بالا در حدود ۲۰ درصد است. مقایسه سهم تفاوت در اعتقادات در ایجاد شکاف مخارج مذهبی در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد در چندک‌های پایین این سهم افزایش یافته و در چندک‌های بالا، این سهم کاهش یافته است. در واقع، نوعی همگرایی اعتقادی در چندک‌های بالا ایجاد شده است. به صورت عددی نیز شکاف مخارج مذهبی ناشی از تفاوت اعتقادات در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۸ کاهشی بوده است، بنابراین میزان کاهش در چندک‌های پایین برابر با ۰/۱۵ و در چندک‌های بالا ۰/۴ بوده است. همچنین شکاف مخارج مذهبی ناشی از تفاوت در ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۸ کاهش یافته است؛ به طوری که مقدار کاهش در چندک‌های پایین برابر با ۰/۲۵ و در چندک‌های بالا برابر با ۰/۱۴

بوده است. بر اساس واقعیت‌های اقتصادی، شکاف درآمدی در جامعه وجود دارد و افراد متناسب با سطح درآمد خود، مخارج مذهبی پرداخت نمی‌کنند. به‌طور کلی، نتایج حاصل از مطالعه نشان می‌دهد که مخارج مذهبی بر اساس اعتقاد و باور جامعه تعیین می‌شود و اینکه در بسیاری از مطالعات بر ویژگی‌های درآمد خانوار تمرکز می‌کنند، تنها سهم اندکی از تغییرات مخارج مذهبی را توضیح می‌دهند. با توجه به نتایج مطالعه، الگوی رفتاری افراد مورد اعتماد جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای را در تعیین مخارج مذهبی خانوارها دارد و فرض است که این افراد دارای الگوی رفتاری متناسب با اسلام باشند. یکی از دلایل مهم برای کاهش مخارج مذهبی خانوارها و پایین‌بودن سهم شکاف ناشی از تفاوت ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی، کاهش اعتماد جامعه و عدم شفافیت در صرف مخارج مذهبی برای کاهش فقر و نابرابری است.

نمودار ۴. تجزیه ماچادو-متا خانوارهای با سطوح متفاوت مخارج مذهبی



### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پرداخت مخارج مذهبی خانوارها در راستای تأکید آیات و روایات متعدد، برای کاهش فقر و نابرابری یکی از مهم‌های آموزه‌های دین اسلام است. در این راستا، بسته به درجه توان خانوارها در تخصیص مخارج مذهبی و همچنین سطح

اعتقادات، اغلب خانوارها درصدی از درآمد خود را به مخارج مذهبی تخصیص می‌دهند. بررسی عوامل مؤثر بر مخارج مذهبی و علل وجود شکاف مخارج مذهبی بین خانوارها از اهداف مطالعه حاضر است. به همین دلیل ابتدا با استفاده از مدل توییت به بررسی عوامل مؤثر بر مخارج مذهبی خانوارها پرداخته شد، سپس با استفاده از رهیافت مدل‌های تجزیه سهم دو عامل تفاوت در ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارها و تفاوت اعتقادات در شکاف مخارج مذهبی بین خانوارها اندازه‌گیری شد. نتایج حاصل از مطالعه نشان می‌دهد افزایش درآمد، افزایش سطح سواد و شاغل بودن سرپرست خانوار اثر مثبت و معناداری را بر مخارج مذهبی دارد. تجزیه شکاف مخارج مذهبی بین خانوارهای روستایی و شهری نیز نشان می‌دهد سهم بالایی از تفاوت مخارج مذهبی بین خانوارها به علت تفاوت اعتقادات و باورهای دینی است. در واقع، خانوارهای شهری به دلیل دارا بودن سطح بالاتری از ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی، مخارج مذهبی بیشتری پرداخت می‌کنند و خانوارهای روستایی به دلیل اعتقادات و باورهای دینی قوی‌تر، مخارج مذهبی بیشتری می‌پردازند و اثر تفاوت اعتقادات بیش از تفاوت در ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی است. تجزیه شکاف مخارج مذهبی خانوارهای دارای مخارج بالا و پایین مذهبی نشان می‌دهد به‌طور میانگین، خانوارهای دارای مخارج مذهبی بالاتر هم به دلیل دارا بودن ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی بهتر و هم به دلیل اعتقادات بیشتر، مخارج مذهبی بیشتری پرداخت می‌کنند، اما سهم تفاوت در ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی برابر با ۱۱ درصد و سهم تفاوت اعتقادات برابر با ۸۹ درصد است. بنابراین، اعتقادات و باورهای دینی نقش مؤثر و مهم‌تری را در تعیین مخارج مذهبی دارند. با توجه به شواهد واقعی از رفتار خانوارها در مورد کاهش سهم مخارج مذهبی از کل مخارج خانوارها، کاهش اعتقادات و باورهای دینی به‌عنوان یکی از مشکلات اساسی قابل‌طرح است و در این مورد تطابق الگوی واقعی رفتار شخصیت‌های مورد توجه جامعه با آموزه‌های دین اسلام و ایجاد اعتماد در جامعه برای صرف مخارج مذهبی در جهت بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر در جامعه گامی اساسی برای بهبود مخارج مذهبی است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. برای بررسی شکاف مخارج مذهبی گروه‌های با سطح متفاوت مخارج از اندیس  $u$  برای گروه با مخارج بالا و از اندیس  $r$  برای گروه با مخارج پایین استفاده شده است
۲. ISCO طبقه‌بندی مشاغل شغل‌ها را به ۹ طبقه‌بندی تقسیم کرده است ولی در اینجا برای راحتی در چهار طبقه، دسته‌بندی شده است: گروه متخصصان و تکنسین شامل قانونگذاران، مدیران عالی‌رتبه، متخصصان و تکنیسین‌ها و دستیاران گروه امور دفتری و فروش شامل گروه کارمندان و امور دفتری، کارکنان خدماتی و فروشنده‌گان، گروه کارگران ساده و ساختمانی شامل کارگران ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری. کارگران کارهای ساده و گروه صنعتگران شامل صنعتگران و مشاغل مربوط، متصدیان و مونتاژکاران ماشین‌الات و رانندگان وسایل نقلیه است.
۳. خانوارهایی که دارای مخارج مذهبی بیش از میانه هستند در گروه دارای مخارج بالا و خانوارهای دارای مخارج پایین‌تر از میانه، در گروه خانوارهای دارای مخارج پایین طبقه‌بندی شده‌اند.

## منابع

- اثنی‌عشری، ابوالقاسم، سیده‌وجیهه میکائیلی (۱۳۹۳). «تأثیر زکات بر فقرزدایی و رشد اقتصادی: مطالعه موردی استان‌های شمالی (مازندران، گیلان و گلستان)»، *پژوهش‌های مالیه اسلامی*، سال دوم، شماره ۳، ۲۴-۷.
- ارشدی، وحید، علی‌اکبر ناجی‌میدانی، مصطفی سلیمی‌فر و مهram بهروز (۱۳۹۴). «تبیین عامل‌های پرکننده شکاف بین نظر و عمل در رفتارهای اقتصادی خانواده مسلمان»، *اقتصاد اسلامی*، سال پانزدهم، شماره ۶۰، ۱۴۴-۱۱۳.
- باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۸)، «الگوی مصرف بر مبنای ارزش‌های اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، سال نهم، شماره ۲۴، ۶۶-۳۹.
- دادگر، یداله، روح‌اله نظری و فاطمه فهیمی‌فر (۱۳۹۵). «عوامل موثر بر هزینه‌های مذهبی شهری و روستایی در ایران: رویکرد «برو»»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال بیست‌ویکم، شماره ۶۷، ۵۱-۲۵.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۰). *اقتصاد ما*، ترجمه محمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران:

برهان.

طبرسی، ابومنصور (۱۳۸۶ ق). **الاحتجاج**، قم: دارالانعمان.  
عزتی، مرتضی و مهرداد محمودیان (۱۳۹۳). «برآورد اثر انفاق بر کاهش فقر در ایران»،  
**اقتصاد اسلامی**، شماره ۵۳، ۵۵-۳۱.

عزتی، مرتضی، پرویز نصیرخانی و نازنین افشین فر (۱۳۹۶). «اثر سرمایه دینی بر  
هزینه‌های این جهان و هزینه‌های در راه خدا»، **اقتصاد اسلامی**، سال هفدهم،  
شماره ۶۷، ۳۷-۵.

عسکری، حشمت‌اله و بهروز بادیا (۱۳۹۳). «اثر زکات بر مصرف عمومی در ایران»،  
**مطالعات اقتصاد اسلامی**، سال ششم، شماره ۱۲، ۱۱۲-۸۳.

عسکری، محمدمهدی و عبدالمحمد کاشیان (۱۳۹۴). «برآورد ظرفیت بالقوه زکات در  
اقتصاد ایران و مقایسه آن با زکات پرداختی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹»،  
**مطالعات اقتصاد اسلامی**، سال هفتم، شماره ۱۴، ۱۰۶-۶۹.

فرهادیان آرانی، علی و بلال وثوق (۱۳۹۰). «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر میزان  
مشارکت افراد در پرداخت زکات»، **مطالعات اقتصاد اسلامی**، سال سوم، شماره  
۲، ۱۷۰-۱۴۱.

فلاحی، محمدرحیمی و وحید ارشدی (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر مخارج مذهبی  
خانوارهای شهری در استان‌های ایران»، **اقتصاد اسلامی**، سال دهم، شماره ۳۹،  
۱۹۶-۱۴۵.

قائمی اصل، مهدی و سحر لویی (۱۳۹۶). «ارزیابی تاثیر نرخ تورم و بیکاری بر مخارج  
مذهبی»، **اقتصاد اسلامی**، سال هفدهم، شماره ۶۸، ۸۵-۶۵.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷ ق). **تفسیر القمی**، به کوشش طیب موسوی جزایری، قم:  
دارالکتب.

کیاء الحسینی، سیدضیاءالدین (۱۳۸۷). «نقش زکات فطره در فقرزدایی (مطالعه موردی:  
ایران ۱۳۸۵-۱۳۷۰)»، **اقتصاد اسلامی**، سال هشتم، شماره ۳۱، ۱۶۰-۱۳۳.

کیاء الحسینی، سیدضیاءالدین (۱۳۸۸). «عوامل موثر بر هزینه‌های مذهبی دهک‌های  
درآمدی خانوارهای شهری ایران»، **اقتصاد اسلامی**، سال نهم، شماره ۳۵، ۲۱۶-  
۱۹۳.

لشکری، محمد و زکیه مهرپارسا (۱۳۹۲). «بررسی رابطه ایمان به خدا بر رفتار مصرف  
کننده»، **مطالعات اقتصاد اسلامی**، سال ششم، شماره ۱۲، ۱۲۸-۱۱۳.

میرمعزی، حسین (۱۳۷۸). «نقدی بر اهداف نظام سرمایه‌داری از دیدگاه اسلام»، **کتاب  
نقد**، شماره ۱۱، ۸۷-۶۴.

Barro, R and Mecleary, R. (2006). "Religion and Economy", *Journal of  
Economic Perspectives*, Vol.20, No.2, 49-72.

Kahf, M. M. (1973). *A Contribution to the Study of the Economics of Islamic*,  
Utah: University of Utah.